



بلاي باورهاي غلط

آنها داشته باشيم و به دورنماي ترك اين باورها نگاهی انداخته و به مقایسه جامعه با ترک باورهای غلط، و جامعه با باورهای غلط به پردازیم بسراحتی به زیبایی و کراهت متقابل آنها پی خواهیم برد و آنوقت همت بر بالا زدن آستین‌ها در جهت ترک دادن باورهای غلط در اجتماع را پیدا خواهیم نمود.

از باروهای غلط و جاافتاده در زمینه درمان در اجتماع ما، این باور است که خود درمانی، روش درمان کم خرج‌تر و راحت‌تری است. باید بنحوی این باور را از اذهان مردم دور کرد، چرا که مصرف بدون شناخت واقعی از بیماریها و داروها، می‌تواند عواقب خطرناک و غیر قابل جبران داشته باشد و مردم باید باور کنند

در جامعه ما باورهای غلط متعددی وجود دارند که به صورت واقعیت جا افتاده و اکثر مردم از انجام این گونه باورها هیچگونه شرمی ندارند زیرا اغلب مردم آنها را به صورت باور درست می‌شناسند. رسانه‌های گروهی ضمن اینکه مرتب از مردم خوب کشورمان و با فرهنگ بودن آنها در موارد مختلف تعریف و تمجید می‌کنند باید به نقاط ضعف و عاداتی ناپسندیده آنها نیز مرتب اشاره کرده و در جهت ترک آنها آموزشهای لازم را معمول دارند و گرنه تعریف و تمجید یک طرفه، باعث می‌شود که مردم باور کنند باورهای غلط موجود، جزء واقعیت‌های خوب و پسندیده اجتماع هستند.

اگر مروری بر بعضی از باورهای غلط طبقات مختلف مردم در اجتماع و پی‌آمدهای

که وقتی قرار باشد دارویی مصرف شود باید پس از تشخیص بیماری و با بینش علمی توسط پزشک تجویز گردد. ضمناً تاکید بر این باور، که رژیم درمانی باید بطور دقیق از لحاظ مدت درمان، رعایت دقیق فاصله بین دوز داروها و رعایت زمان مصرف دارو در ارتباط با غذا و داروهای دیگر، بسیار مهم است.

سازمان بیمه درمانی این باور را که اگر حق بیمه درمانی را سه برابر می‌کند باید امکانات سرویس‌دهی خود را نیز کاهش دهد، فراموش کرده و باور صحیح افزایش حق بیمه درمانی در برابر افزایش خدمات ارائه شده را باور نمایند.

در دانشگاه‌های کشور باید این باور را در مسئولین از بین برد که باید مرتب از تحقیق و پژوهش صحبت کرد و دانشگاهیان را برای پژوهش تشویق نمود ولی از فراهم کردن ضروریات اولیه تحقیق چون دریافت مرتب مجلات خارجی در رشته‌های مختلف و ایجاد امکانات برای دسترسی نسبتاً راحت مواد و دستگاه‌های مورد نیاز برای تحقیق سر باز زد که در این صورت مسلماً محققین برای انجام تحقیقات بهتر و در سطح بین‌المللی تشویق خواهند شد.

از قدیم گفته‌اند و باور کرده‌اند که وقتی صبح استارت اتومبیل‌های با سوخت گازوئیلی زده شود باید تا شب موتور خاموش نشود زیرا این باور وجود دارد که موتور سالم خواهد ماند و خاموش کردن آن به موتور آسیب می‌زند. این باور سالیان درازی است که در جامعه ما سینه به سینه منتقل شده و جزء باورهای یقین‌راندگان

این وسایل نقلیه شده است در حالیکه بنظر نمی‌رسد از لحاظ مهندسی مکانیک ریشه علمی داشته باشد. دهها و گاهی صدها اتوبوس یا مینی‌بوس که ساعتها در ایستگاهها و ترمینالها بدون بهره‌دهی در حالت روشن، نگهداشته می‌شوند اولاً بدون داشتن رانندمان کاری، سوخت با ارزشی را از بین برده و ثانیاً آنرا به سمومی تبدیل کرده و وارد هوای تنفسی مردم می‌کنند و از این رهگذر با آلوده کردن هوای شهرها، چه مسمومیت‌ها و بیماریهایی که ایجاد نمی‌کنند. در این زمینه، انجام بررسیهای کارشناسی دقیق و سنجیدن میزان سودمندی روشن ماندن موتور یا خاموش شدن آن می‌تواند کار بسیار سودمندی باشد و اگر نتیجه کارشناسی، فتوی به خاموش بودن ماشینهای در حال سکون باشد یعنی اهمیت سالم ماندن انسانها بر سالم ماندن موتور خودروها بچربد باید ذهن رانندگان وسایل نقلیه به این موضوع روشن شده و معایب این باور غلط برای آنها کاملاً بازگو شود و سپس قوانین جدی در جهت ترک دادن این باور تصویب و اجرا گردد که در ایسن صورت، روزانه مقدار قابل توجه صرفه‌جویی از سوخت شده و بطور قابل توجهی نیز از میزان آلودگی شهرهای بزرگ کاسته خواهد شد، بدون اینکه ممانعتی از یک حرکت و جابجایی شده باشد. متأسفانه تاکنون کسی بطور جدی قدمی برای ترک این باور برداشته است.

باید باور غلط مصرف آنتی‌بیوتیک‌ها بعنوان پیشگیری در مواردی که مصرف آنها مورد نیاز نیست ترک شود، چرا که این گونه مصرف‌های بی‌رویه و بیمورد آنتی‌بیوتیک‌ها، شبیه شلیک

هوایی کردن در مقابل دشمن است که نه تنها به دشمن آسیب نمی‌زند بلکه او را وادار به انجام عملیات تدافعی می‌کند. با مصرف بی‌رویه آنستی‌بیوتیک‌ها سویه‌های مقاوم باکتریها در سطح اجتماع گسترش پیدا کرده و در نهایت موجب خلع سلاح انسان در برابر میکروبیها خواهد شد. در باره ترک این باور غلط که بدن را باید با مصرف ویتامین‌ها بویژه ویتامین B₁₂ تقویت و چشم نزدیک‌بین یا دوربین را با دادن ویتامین A اصلاح نمود، آموزش‌های جدی داده شود.

باید این باور کاذب را از ذهن اکثر کارمندان بسانک زدود که بدرفتاری و برخوردهای توهین‌آمیز با مشتریان بانک جزء وظایف کاری آنها است. باید این باور غلط را از ذهن بعضی از کارمندان خارج نمود که وظیفه آنها جواب منفی دادن به خواسته‌های منطقی ارباب رجوع نیست.

مردم باید روشن شوند که پارو کردن برف پشت‌بام و ریختن آن در یک معبر عمومی و بستن راه عبور، عادت ناپسندی است و انبار کردن همین برف بعنوان یک ذخیره آب جهت درختان حیاط، در حیاط منزل می‌تواند جان‌نشین پسندیده برای عادت ناپسند اولیه باشد. باید از ذهن نانوایان این باور غلط را زدود که وظیفه آنها صرفاً تهیه خمیر و انداختن آن در تنور و تبدیل کردن آن به یک نان سوخته و پر از دوده و تحویل آن به مشتری، نیست.

باید این باور را از ذهن بعضی از معلم‌ها زدود که در کلاس درس نباید مطالب جدی و مشکل را برای دانش‌آموز طرح و تشریح نمود

بلکه این نوع مطالب را باید بدون تعلیم دادن، فقط در جلسه امتحان مطرح کرد تا زمینه‌ای برای مردود کردن و سپس انجام تدریس خصوص باشد.

باید در جهت ترک این باور غلط در اجتماع کوشید که وقتی راننده‌ای پشت ماشین می‌نشیند باید همه جنبه‌های تعارف را فراموش کند و بر عکس عادت نسبتاً پسندیده تعارف در موقع مثلاً ورود از یک در، هر راننده‌ای بدون رعایت حق تقدم دیگران باید تا حد توان از دیگران جلو زده و راه خود را پیدا کرده و دور شود. باید این باور غلط را از ذهن عابر پیاده زدود که حق تقدم عبور همیشه با او است و باید همگی باور کنند که عابر پیاده فقط موقعی حق عبور دارد که چراغ راهنمای عابر پیاده سبز باشد. رانندگان نیز باید این باور غلط را فراموش کنند که وقتی چراغ راهنما زرد می‌شود معنی آن افزودن به سرعت و عبور از مه‌لکه است.

باید از بوجود آمدن این باور در مسئولین آموزش و پرورش مملکت و سپس مردم جلوگیری شود که مدرسه دولتی باید با بدترین کیفیت اداره شود و بالا رفتن شهریه دریافتی مدارس، مترادف با بالا رفتن کیفیت تعلیم و تدریس است و نگذارند که مردم باور کنند مدارس غیرانتفاعی واقعاً انتفاعی هستند.

باید در جهت ترک این باور غلط که در تاکسی‌ها در صندلی بغل راننده که ویژه یک نفر است، حتماً دو نفر نشسته و تا رسیدن به مقصد، کاملاً احساس راحتی و آرامش نمایند، سعی و کوشش شود.

باید این باور غلط را از ذهن اکثر دانشجویان

دور کرد که انتخاب یک واحد درسی صرفاً به منظور پاس کردن آن و راحت شدن از شر آن است.

باید سیستمی در جامعه دایر باشد که مانع از ترقی افرادی شود که باور دارند تملق به بعضی‌ها و بدگویی از دیگران، راه رسیدن به اهداف مورد نظرشان می‌باشد. باید سیستم در جهت حمایت از ترقی افراد خالص و محق و کاردان و در جهت ممانعت از ترقی افراد ناخالص و غیر محق باشد. باید این باور غلط را از بین برد که در هفته‌های اول آغاز سال تحصیلی، بهر دلیلی کلاسهای درس نباید هنوز جدی گرفته شوند. چرا که فرصت کافی و طولانی در تابستان برای هر نوع برنامه‌ریزی وجود دارد و باید که در روز اول هر سال تحصیلی یا هر ترم تحصیلی همه چیز بهتر از وسط سال برای شروع فعالیتهای آموزشی فراهم باشد. این باور را باید از بین برد که اگر گلی یا چمنی یا وسیله‌ای تفریحی در یک پارک عمومی وجود دارد باید به بدترین شکل ممکن از آن استفاده شود چرا که بودجه تهیه آن توسط خود ما تأمین شده است.

نباید این باور جان بگیرد که با استعدادترین جوانان این مملکت که هر سال در المپیاد رشته‌های فیزیک، شیمی، ریاضی و کامپیوتر در سطح جهانی می‌درخشند بعنوان پاداش اکثراً به کلاسهای دانشکده پزشکی راهی شوند و موقع فراغت از تحصیل تنها چیزی را که ندانند همین رشته‌های علوم پایه باشد. باید با برنامه‌ریزیهای مدون و ارزش دادن به علوم پایه، آنها را در یکی از دانشگاههای بزرگ و معتبر دنیا تا حد دکتری همان

رشته حمایت کرد و سپس به جمع اساتید علوم پایه سوق داد، چرا که هیچ کشوری در هیچ رشته‌ای بجایی نخواهد رسید مگر آنکه دارای علوم پایه قوی و با افراد با استعداد باشد و هیچ سرمایه‌گذاری پرسودتر از سرمایه‌گذاری در این قسمت نخواهد بود. باید این باور را فراموش کرد که پلهای عبور عابر پیاده فقط به عنوان دکور هستند و عابر پیاده از وسط خیابان و از لابلای ماشین‌ها باید بگذرد و در موقع احساس خطر با دستش علامت دهد که نیاید من دارم عبور می‌کنم. و.... و.... و.... و باید همه این باورها را از فنتوتیپ افراد جامعه زدود.

اگر بنحوی در جامعه، در صدد ترک دادن باورهای غلط یاد شده و صدها باور غلط دیگر بر آئیم، بی‌شک در زمان نه چندان دور، از پی آمدهای نامطلوب این باورهای غلط مصون خواهیم شد وگرنه، در صورت ادامه باور داشتن این باورهای غلط و پیدایش باورهای غلط دیگر، بیکر جامعه با تهدیدهای بیشتری روبرو خواهد شد.

دکتر مرتضی ثمینی

